اعترافات هولناک راننده تاکسی اینترنتی به قتل ۲ زن

به خاطر سرکوفت‌های همسرم سارق شدم

گروه حوادث/ کامران علمدهی: مردی که متهم است با همدستی یکی از اقوامش دو زن را با انگیزه سرقت ربوده و به قتل رسانده در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد.

به گزارش «ایران»، اوایل سال ۱۴۰۴ مردی با مراجعه به پلیس ناپدیدشدن همسر ۴۵ ساله‌اش به نام مریم را گزارش داد. او در توضیح ماجرا گفت: «همسرم برای خرید از خانه خارج شد اما دیگر بازنگشت. تلفن همراهش هم خاموش شده است.»

پس از این اظهارات، مأموران ردیابی زن گمشده را در دستورکار قرار دادند و مشخص شد آخرین بار در محدوده قلعه‌حسن‌خان تلفن همراهش آنتن‌دهی داشته است. در ادامه تحقیقات، مأموران به بازبینی دوربین‌های مداربسته محل پرداختند. تصاویر نشان می‌داد که مریم آخرین بار سوار یک خودروی پراید عبوری شده است.

در حالی که تلاش برای یافتن زن میانسال ادامه داشت یک ماه بعد مرد دیگری با مراجعه به پلیس از ناپدید شدن همسرش سمیرا در منطقه قلعه‌حسن‌خان خبر داد. مأموران با بررسی دوربین‌ها دریافتند که سمیرا نیز سوار همان خودروی پراید شده است و احتمال سریالی بودن ناپدید شدن این دو زن قوت گرفت.

به این ترتیب مأموران با اقدامات فنی و پلیسی راننده خودروی پراید به نام مسعود را شناسایی و دستگیر کردند. مسعود در ابتدا قصد داشت تا خودش را بی‌گناه نشان دهد اما وقتی در برابر مستندات پلیسی قرار گرفت به ناچار به دو فقره قتل با همدستی یکی از اقوامشان به نام کریم اعتراف کرد و مدعی شد قصدمان سرقت بود اما مرتکب قتل شدیم.

با این اعتراف کریم نیز دستگیر شد اما مدعی شد نقشی در قتل دو زن جوان نداشته و فقط همراه مسعود بوده است.

در ادامه بازجویی‌ها مسعود گفت طلاهای سرقت‌شده از دو زن جوان را به یک پسر و دختر جوان فروخته و در ازای آن دلار گرفته که بخشی از دلارها کشف شد و دو مالخر نیز دستگیر شدند.

همچنین مسعود مدعی شد، اجساد را در آزادراه ساوه زیر یک پل رها کرده که هر دو جسد پیدا شد.

از مسعود یک قبضه کلت کمری با ۱۸ فشنگ هم کشف و ضبط شد و پس از تکمیل تحقیقات برای مسعود و کریم به اتهام مشارکت در دو قتل کیفرخواست صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۲ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت؟

در ابتدای جلسه اعلام شد که دو مالخر پرونده با قید وثیقه آزاد هستند و کریم نیز به صورت ویدیوکنفرانس از داخل زندان از اتهامش دفاع می‌کند اما مسعود در جلسه حضور داشت.

پس از آن اولیای‌دم هر دو مقتول خواستار قصاص متهمان و پس دادن طلاها شدند.

ولی‌دم سمیرا گفت: «ما اعلام کردیم که مقتول ۳۰۰ گرم طلا داشته اما متهمان ادعا کردند ۱۲۰ گرم طلا ربوده‌اند که صحت ندارد و ما خواستار بازگرداندن ۳۰۰ گرم طلا هستیم.»

سپس مسعود به جایگاه رفت و گفت: «من اتهام قتل هردو قربانی را قبول دارم و تأکید می‌کنم که کریم هیچ نقشی در این ماجرا نداشت.»

قاضی گفت: «اما در بازجویی‌ها عنوان کرده بودی که او هم نقش داشته و حتی در جایی گفته بودی که او یکی از آنها را کشته بود.»

متهم جواب داد: «زمانی که دستگیر شدم به لحاظ روانی اصلاً حال خوبی نداشتم و اعترافم درست نبود.»

قاضی پرسید: «چطور شد که دست به این جنایت زدی؟»

متهم جواب داد: «مشکلات مالی زیادی داشتم و تصمیم به سرقت گرفتم بعد با کریم که از بستگانم بود تماس گرفتم و پیشنهاد سرقت دادم و راضی‌اش کردم تا از شهرستان به تهران بیاید. روز حادثه او پشت فرمان نشست و من روی صندلی عقب. به کریم گفتم آن زنی را که کنار خیابان منتظر ماشین است سوار کن. من هم طوری نشسته بودم که زن مسافر مجبور شود روی صندلی جلو بنشیند. چند دقیقه بعد از اینکه مریم سوار شد من اسلحه را بیرون کشیدم و او را کشتم. کریم از ترس بهت‌زده و شوکه شده بود، به او گفتم برو عقب بنشین و خودم پشت فرمان نشستم و به سمت بزرگراه ساوه رفتم و در آنجا جسد را زیر پل بردم با سیمچین النگو و گردنبند و گوشواره‌اش را بریدم و همانجا هم جسدش را رها کردم و پتویی هم که داخل ماشین بود روی جسد انداختم و از آنجا دور شدیم.»

متهم افزود: «کریم نزدیک عوارضی پیاده شد و برای مدتی به عراق رفت. طلاها را به تجریش بردم تا بفروشم اما طلافروشی بعد از دیدن آنها گفت که بدلی است. چند هفته بعد متوجه شدم کریم به ایران آمده که با او تماس گرفتم و خواستم تا دوباره سرقت کنیم اما او قبول نمی‌کرد تا اینکه تهدیدش کردم که اگر نیاید او را به پلیس لو می‌دهم. کریم هم به شرط اینکه دیگر کسی را نکشیم قبول کرد و آمد.

دومین نفر را که سوار کردیم من بازهم او را کشتم و طلاهای او را به یک دختر و پسر مالخر دادم و دلار گرفتم.»

قاضی پرسید: «اسلحه را از کجا آورده بودی؟ مگر نگفتی سارق بودی چرا دست به جنایت می‌زدی؟»

متهم گفت: «چند روز قبل از سرقت‌ها به عراق رفته بودم و کلت کمری با ۲۰ گلوله خریده بودم. نمی‌خواستم بکشم از ترس اینکه شناسایی شوم مرتکب قتل‌ها شدم.»

قاضی سؤال کرد: «از چه زمانی سارق شدی؟»

متهم جواب داد: «من ۱۶ سال کارمند یک شرکت بودم و بعد هم راننده تاکسی اینترنتی شدم. مشکلات اقتصادی و اختلاف با همسرم که مدام به خاطر بی‌پولی به من سرکوفت می‌زد سبب شد تا به فکر سرقت بیفتم.»

در ادامه کریم به صورت آنلاین از خودش دفاع کرد و با تکرار اظهاراتش در مراحل بازجویی گفت: «نقشی در قتل‌ها نداشته‌ام، اتهامم را قبول ندارم.»

در پایان جلسه قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

دستگیری سارقان سیاهپوش در ایست بازرسی

گروه حوادث: مرضیه همایونی/ اعضای یک باند سرقت معروف به «سیاهپوشان» که در بوستان‌های غرب تهران از افراد ورزشکار و رهگذران سرقت می‌کردند، هنگام عبور از یک مرکز ایست بازرسی دستگیر شدند.

به گزارش «ایران»، از چندی قبل گزارش سرقت‌های سریالی اعضای یک باند که سر تا پا لباس مشکی می‌پوشیدند و حتی ماسکشان نیز مشکی بود، به پلیس گزارش شد. متهمان با ورود به پارک‌های غرب تهران در مکان‌های خلوت و تاریک به کمین نشسته و اقدام به خفتگیری و سرقت از افرادی می‌کردند که برای تفریح یا ورزش به پارک آمده بودند. تمامی سرقت‌ها در زمان تاریکی هوا رخ می‌داد و سارقان خشن با تهدید چاقو، سناریوی سرقت‌هایشان را اجرا می‌کردند و طلا، پول و ساعت‌های گرانقیمت را به سرقت می‌بردند.

با گزارش سرقت‌های سریالی، تحقیقات از سوی کارآگاهان پلیس آغاز شد تا اینکه چند روز قبل مأموران ایست بازرسی در غرب تهران به چهار مرد افغانستانی که سوار بر خودروی پژو با سرعتی سرسام‌آور در حرکت بودند، مشکوک شدند. بلافاصله خودرو متوقف شد و مأموران در بازرسی از آن مقدار زیادی طلا و وسایل باارزش پیدا کردند؛ وسایلی که مشخص بود متعلق به مردان افغانستانی نیست. به همین دلیل چهار متهم بلافاصله بازداشت و به اداره آگاهی منتقل شدند و این فرضیه مطرح شد که آنها همان سارقان نقاب‌دار پارک‌های غرب تهران هستند. با این احتمال، از شاکی‌ها خواسته شد آنها را شناسایی کنند که همگی با توجه به ظاهر و لهجه خاص آنان مدعی شدند این افراد همان سارقان اموالشان هستند. در ادامه، متهمان نیز لب به اعتراف گشودند و به جرایم خود اقرار کردند.

سرقت به خاطر مهاجرت به آلمان

سردسته باند، مردی ۳۶ ساله است که به صورت غیرقانونی وارد ایران شده است. وی درباره انگیزه خود از سرقت‌ها گفت: «هیچ وقت تصورش را نمی‌کردم سارق شوم. من چند سال قبل قاچاقی به ایران آمدم و کار کردم. هر چه پول به دست می‌آوردم طلا می‌خریدم، چون تصمیم داشتم به آلمان بروم. دوستان دیگرم هم به آلمان رفته بودند و خیلی راضی بودند، اما من شانس نیاوردم.»

مگر چه اتفاقی افتاد؟

قاچاق‌بری که می‌خواست ما را به آلمان ببرد، در نقطه صفر مرزی پول و طلاهایم را گرفت و مرا در شرایط سختی رها کرد. خدا می‌داند به چه زحمتی خودم را به ایران رساندم. زمانی که به ایران رسیدم دیگر هیچ پولی نداشتم، از طرفی افغانستانی‌های بدون مجوز را از کشور بیرون می‌کردند و این شرایط برایم خیلی سخت بود، به همین دلیل به فکر سرقت افتادم. مجبور بودم راه صد ساله را یک‌شبه طی کنم، به همین خاطر از حدود سه ماه قبل با همدستی سه نفر از اقوامم باند سرقت تشکیل دادیم.

چرا برای سرقت به پارک‌ها می‌رفتید؟

چون راحت‌ترین راه سرقت بود. زنان و مردان زیادی برای ورزش و پیاده‌روی و تفریح به پارک می‌روند که اغلب طلا و پول و گوشی‌های گرانقیمت دارند و ما آنها را با چاقو تهدید و اموالشان را سرقت می‌کردیم.

از گوشه و کنار ایران

بازداشت یک کارچاق‌کن در بروجرد

دادستان عمومی و انقلاب بروجرد از بازداشت یک کارچاق‌کن مدعی نفوذ در دستگاه قضایی شهرستان خبر داد.

گودرز امرایی، دادستان عمومی و انقلاب بروجرد، در تشریح این خبر گفت: «در پی وصول گزارش‌هایی مبنی بر فعالیت‌های فردی که با توسل به اقدامات متقلبانه و طرح ادعاهای واهی، خود را دارای نفوذ در دستگاه قضایی معرفی و از افراد متعدد وجوهی دریافت می‌کرد، موضوع بلافاصله در دستور کار قرار گرفت و پس از تحقیقات قضایی، وقوع جرم از سوی متهم محرز شد و با دستور قضایی لازم، مجرم دستگیر و پس از تشکیل پرونده و با صدور قرار مناسب روانه زندان شد.» امرایی با تأکید بر اینکه این فرد هیچ گونه ارتباطی با قضات و کارکنان قضایی نداشته است، تصریح کرد: «متهم فقط با ادعاهای کذب و مجعول، خود را در دستگاه قضایی شهرستان ذی‌نفوذ معرفی کرده و به همین بهانه مبالغ قابل‌توجهی از برخی مراجعین دریافت می‌کرده است.»

مرگ ۳ زن و مرد در واژگونی رانا

واژگونی خودروی رانا در جاده اهر-تبریز سه کشته برجا گذاشت.

وحید شادی‌نیا، سخنگوی اورژانس آذربایجان شرقی با اعلام این خبر گفت: «واژگونی خودروی رانا در جاده اهر به تبریز حدود ساعت ۶:۲۱ صبح ۱۰ خرداد رخ داد که با اعزام تیم‌های امدادی به محل وقوع حادثه، مشخص شد در پی این واژگونی، دو خانم ۵۰ تا ۵۵ سال و یک آقای ۶۰ ساله در دم جان خود را از دست داده‌اند. تنها مصدوم این حادثه نیز یک آقای ۴۵ ساله بود که به مرکز درمانی منتقل شد.» وی با بیان اینکه ۳ دستگاه آمبولانس به محل اعزام شدند، گفت: «مصدوم حادثه بلافاصله پس از اقدامات اولیه توسط تیم‌های امدادی برای دریافت مراقبت‌های پزشکی تخصصی به بیمارستان باقرالعلوم اهر منتقل شده است.»

درگیری پدر و پسر با مرگ پایان یافت

گروه حوادث/ پسر نوجوان که از مدت‌ها قبل با پدرش اختلاف و درگیری داشت در اقدامی جنون‌آمیز او را به قتل رساند و خود را تسلیم پلیس کرد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۲ بامداد ۱۰ خرداد گزارش قتل مردی میانسال به بازپرس غلامحسین صادق‌زاده اعلام شد. با گزارش این خبر تیم جنایی راهی محل شد و در طبقه سوم یک خانه با جسد مردی ۵۶ ساله در حالی که با پنج ضربه چاقو به قتل رسیده بود، مواجه شدند. عامل جنایت که پسر ۱۷ ساله مقتول بود به مأموران گفت: «بعد از قتل پدرم می‌خواستم فرار کنم حتی به پارکینگ خانه رفتم اما پشیمان شدم.»

وی درباره انگیزه خود از این جنایت گفت: «پدرم همیشه مرا تحقیر می‌کرد و به من می‌گفت تا کی می‌خواهی بیکار در خانه بمانی. باید کار کنی و درآمد داشته باشی. از آنجا که من مشکلات روحی و روانی دارم از دست حرف‌های پدرم به ستوه آمده بودم، شب حادثه مادرم به خانه مادربزرگم در طبقه دیگر ساختمان رفته بود و با شنیدن سر و صدای دعوای ما به خانه آمد. من چون مشروب خورده بودم حال طبیعی نداشتم از شدت عصبانیت به آشپزخانه رفتم و با چاقو پدرم را زدم.» به‌دنبال اعتراف، پسر نوجوان به دستور بازپرس شعبه هفتم دادسرای امور جنایی تهران به دادسرای اطفال منتقل شد.

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۹۰۳۸

جدول عادی

افقی

۱ - دلیری و پُردلی - آرایه‌گری
۲ - مهم‌تر - فیلم اصغر فرهادی - رسم‌الخط
۳ - طلایی - مامان - نیرنگ‌ها، دسیسه‌ها
۴ - برادر - زندگی کن! - سم‌ها
۵ - رئیس جیمز باند - کلمه تعلیل - وسط و بین - حرص
۶ - مقابل «تندی و سرعت» - پیشه‌اش زمین کندن است - بدجنس در کفش دارد!
۷ - ضمیر مفعولی - عکس تبلیغاتی - نام دخترانه
۸ - کارتون قدیمی - نگهدار کباب بر آتش - کدخدا
۹ - خطاب بی‌ادبانه - گل بومی جزایر قناری - جزء عمده
۱۰ - میان و وسط - با «یللی» آید - منسوب به ادب
۱۱ - ضمیر متصل دوم شخص مفرد - گرداب هولناک - فرماندهان - اثر خیسی
۱۲ - بر سفره هفت‌سین می‌نشیند - تیر پیکاندار - آخر
۱۳ - متراکم و پُرپُشت - جزیره «اندونزی» - آهسته و آرام
۱۴ - میکسر - از دست دادن امید، شوق یا علاقه - مرزبان و حاکم
۱۵ - خیالباف - توبیخ

عمودی

۱ - حافظ اسرار دیگران - شاعر دوبیتی‌سرا
۲ - اسم پسرانه - چیستی - گوالیدن
۳ - اسم رمز موفقیت - استانی که قالی‌اش معروف است - هر نوع گیاه خوردنی
۴ - نازک‌نارنجی - تیم ایتالیایی
۵ - صدای برخورد - آفتاب - شاخه نازک درخت
۶ - سعی - نقص فنی اتومبیل - چیرگی، سیطره - مروارید
۷ - کشیدگی - دستاویز، بهانه - چابک
۸ - ژانری برای فیلم - گلر ملی‌پوش سپاهان - قانون چنگیز
۹ - مانند - سرافراز - غواص
۱۰ - رود اروپایی - کشکینه - اهلی - جزء ویدیو
۱۱ - هلاک و نیستی - واحد سکه نقره - شادمان شدن
۱۲ - درز لباس - محبت، عطوفت
۱۳ - کبوتر اهلی - وی را نخستین شاعر بزرگ پارسی‌گوی و پدر شعر پارسی می‌دانند - پرنده‌ای کوچک
۱۴ - اما - اشاره جمع نزدیک - آخر چیزی
۱۵ - مخالف - مدارا و همراهی

جدول ویژه

افقی

۱ - سیاه‌زخم - شهر «السالوادور»
۲ - حرف سکوت - مرکز «میانمار» - کلام درویش
۳ - روش - کوشش کننده - رها و واگذاشته
۴ - فعالیت‌ها، کارها - دهان‌کجی - بی‌شمار
۵ - دوازده کیلوگرم - دربند و زندانی - تیره شده - یار پت!
۶ - فدراسیون بین‌المللی شطرنج - بازکن! - مربوط به ملت
۷ - کهنسال - هیکل - سازمان خواربار و کشاورزی جهانی
۸ - مثل - آینه مقعر - اثری از ابوطاهر مجدالدین محمد فیروزآبادی
۹ - ابزار - بی اعتبار و قلابی - حرف خباز
۱۰ - راهرو - بخشی از زمان - معتبرترین تست ضریب هوشی
۱۱ - همانند - جزئی از دوربین - بیماری چینی - فتنه‌جو
۱۲ - ظرف بسته‌بندی نرم - نشانه فعل مضارع - نثار
۱۳ - شهر «تبت» - عصاره دارویی و صنعتی درخت بلوط - حافظه جانبی رایانه
۱۴ - ضد «کلفت» - ویرانی - مرد
۱۵ - فرو رفتگی های غشای میلین در تارهای عصبی - قسمت انفجاری موشک

عمودی

۱ - اثر «فردریک بکمن» - سریال احمد امینی
۲ - شرکتی تولید کننده خودروهای لوکس - جایزه تشویقی - گردنبند مروارید
۳ - چهره‌پرداز - پایانی - نقیض «کهنه»
۴ - بخش حلزونی گوش میانی - شرکتی خودروساز
۵ - ساز قلمی - مزه سریع - ناامنی
۶ - برآمدگی لاستیک - زیرکی - خاک - اشاره به دور
۷ - شاعر منظومه «طریق‌التحقیق» - ملامت - صورت غذا
۸ - تبلیغ روزنامه‌ای - محصول آتشفشان - آبزی لذیذ
۹ - عددی دورقمی - رایزن - عدد نحس
۱۰ - اینجانب - آبریزش و گرفتگی بینی - زنگ کاروان - باز عامیانه!
۱۱ - استادیوم «کره‌شمالی» - مأوی - نیزه کوچک
۱۲ - ساز معروف - کمربند سرباز
۱۳ - آگاه - خلیفه عباسی - داریوش سوم
۱۴ - ناگهانی - هزار هزار - از رشته‌های ورزشی
۱۵ - شاعر و فیلسوف اپیکورگرای روم باستان - سرچشمه، تالاب و گردشگاهی طبیعی در استان فارس

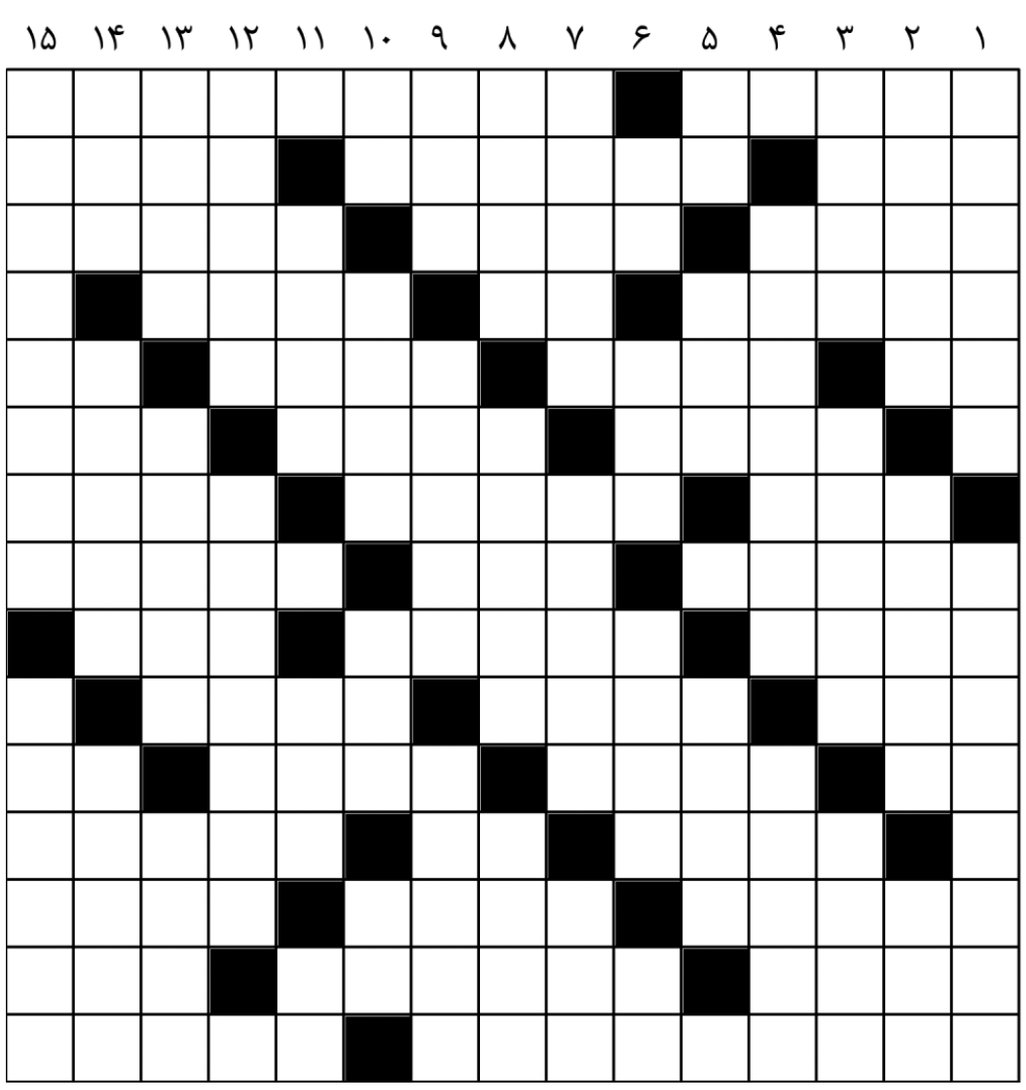

حل جدول عادی شماره ۹۰۳۷

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ب	ر	و	س	ل	و	ز	■	ز	ر	ا	ف	ش	ا	ن
۲	ر	و	ک	ش	■	ت	ر	د	ی	■	و	ر	و	ن	ا
۳	ل	ب	ی	■	م	و	ش	ک	ا	ف	■	ه	م	گ	ن
۴	ی	و	ل	ا	ی	■	ک	ی	■	گ	ا	ن	■	ل	س
۵	ا	ش	■	ه	م	گ	ی	■	ک	ا	ر	گ	ر	■	ا
۶	ن	■	ن	و	و	ل	■	ک	ا	ر	د	ا	■	ر	چ
۷	س	خ	ی	■	ت	ا	ل	ا	ر	■	ن	ا	ز	ک	ی
۸	■	ر	م	ز	■	چ	ا	س	و	س	■	ب	ی	گ	■
۹	ک	م	ب	و	د	■	م	ت	ن	ف	ر	■	ن	■	ا
۱۰	ن	ا	ن	■	ب	ر	ا	■	ر	خ	ن	ن	■	ه	ر
۱۱	ت	■	د	ر	ی	ن	ا	ک	ا	ت	■	د	ی	■	م
۱۲	ر	ب	■	س	ت	د	■	چ	ل	■	ه	م	ا	ک	■
۱۳	ا	ش	ن	ا	■	ه	ر	ا	س	ن	ن	■	ر	ا	ت
۱۴	س	ر	ا	ن	ه	■	ا	ر	ی	س	■	م	ا	د	و
۱۵	ت	ا	ز	ا	ن	د	ن	■	م	ا	د	گ	س	ت	ر

حل جدول عادی شماره ۹۰۳۷

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ب	ی	ف	ر	ه	ن	گ	■	چ	ا	م	د	ا	د	ی
۲	ا	و	ا	ز	■	ک	ر	س	ی	■	س	ه	ی	ل	ا
۳	چ	م	غ	■	ا	و	س	ا	ک	ا	■	ق	ن	ا	د
۴	گ	ی	ل	ا	س	■	ن	ل	■	ل	و	ا	■	ک	د
۵	ی	ه	■	ن	ر	م	ه	■	ا	س	ک	ن	ر	■	ا
۶	ر	■	و	ا	د	■	د	م	ق	ت	ل	■	خ	و	ش
۷	ی	ک	ی	■	ف	ر	ز	ن	د	■	ا	م	ن	ی	ت
۸	■	و	ر	ا	■	ن	ی	س	ا	ن	■	ل	ی	س	■
۹	ر	ف	ا	ق	ت	■	س	و	غ	ا	ت	■	ل	ی	ا
۱۰	و	ی	ن	■	م	ر	ت	ب	■	س	ر	خ	و	■	س
۱۱	ر	■	ه	م	س	ا	ن	■	س	ا	ف	و	■	ف	ت
۱۲	ا	چ	■	ر	ک	س	■	م	ی	ن	ن	ی	ک	ر	و
۱۳	س	ر	م	ا	■	خ	و	ن	س	ر	د	■	ل	م	ا
۱۴	ت	و	ز	ر	د	■	ا	ش	ت	ی	■	ش	ی	و	ن
۱۵	ی	ک	ه	ت	ا	ز	ی	■	م	ا	ر	و	پ	ل	ه